

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.332162.3186>

The role of Iranians in the development of music art in the Abbasid period (with the approach of the social status of music)

Abstract

By combining their ancient culture with Islam, Iranians have played an effective role in creating Islamic civilization. The presence of Iranians in the Abbasid caliphate provided a suitable platform for the development of science, literature and art. As Muslims liberated themselves from conquests, wars, and conflicts, and wealth and power increased, the tendency for a variety of fine arts increased among the caliphs, elders, and various classes of Baghdad society. They had conquests with other nations, opened the horizons of art to them, and created new works of art that were in line with Islamic law. In the meantime, the art of music had a special social status as an important tool to express the glory and authority of the Abbasid caliphs. This article seeks to explain the role of Iranians in the development of the art of music in the Abbasid period by means of explanatory-analytical method.

Keywords: role, Iranians, music, Abbasids

نقش ایرانیان در پیشرفت هنر موسیقی در دوره عباسیان (با رویکرد جایگاه اجتماعی موسیقی)

عبدالکریم رستمی^۱علی الهامی^۲حسین خسروی^۳سهراب اسلامی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۵

چکیده

ایرانیان با آمیزش فرهنگ باستانی خود با اسلام در ایجاد تمدن اسلامی نقش موثری ایفا کرده اند. حضور ایرانیان در دستگاه خلافت دوره عباسی، بستری مناسب را برای پیشرفت و تکامل علم و ادب و هنر فراهم آورد. چنانکه مسلمانان وقتی از فتوحات، جنگ و درگیری‌های یافتند و ثروت و قدرت رو به فزونی نهاد، گرایش به انواع هنرهای زیبا در بین خلفا، بزرگان و طبقات مختلف جامعه ی بغداد افزایش یافت. وسعت فتوحات عرب و آمیزشی که خواه ناخواه در اثنای کشورگشایی‌ها با ملل دیگر داشتند، افق هنر را به نظرشان گشوده تر کرد و آثار هنری تازه پدید آوردند که با مقررات اسلام سازگار بود. در این میان هنر موسیقی به عنوان ابزاری مهم برای جلوه گر ساختن شکوه و اقتدار خلفای عباسی، جایگاه اجتماعی ویژه ای داشت. این مقاله در پی آن است که با روش تبیینی-تحلیلی، نقش ایرانیان در پیشرفت هنر موسیقی را در دوره عباسی تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: نقش، ایرانیان، موسیقی، عباسیان

^۱ دانشجوی دکتری، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. Roastami.abdolkarim@gmail.com^۲ استادیار مدعو گروه معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسئول) aelhami867@yahoo.com^۳ استادیار گروه معارف، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. Hkhosravi88@gmail.com^۴ استادیار گروه معارف، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. s_eslami@iau_arat.ac.ir

موسیقی در نظرگاه غالب فلاسفه از مخلوقات باریتعالی است و اساس آن بر تناسب و زیبایی استوار است. همچنین اعتقاد فیلسوفان بر این است که موسیقی عامل موثری در تکامل اجتماعی جوامع بشری می باشد. به همین دلیل "هم افلاطون و دیگر فلاسفه می گفتند جامعه به موسیقی احتیاج دارد و موسیقی جامعه را به سوی تکامل هدایت می کند. (معروف ۱۳۸۳: ص ۴۳)" از نظر عباس معروف در شرح ادوار صفی الدین ارموی، شعر و موسیقی و دیگر هنرها وجهی از وجوه حکمت انسی به شمار می روند و حتی زبان گویای آن هستند. وی معتقد است: «زبان هنر، زبان اشارت است و معانی متعالی حکمت انسی از آنجا که در زبان عبارت نمی گنجد، در زبان رمزی هنر بهتر به گفت: می آید.» (معروف ۱۳۸۳: ص ۴۳) دو فیلسوف معروف شرق و غرب، کنفوسیوس و افلاطون می گفتند که "موسیقی در تنظیم روابط اجتماعی و در بهبود اجتماع عامل مؤثر و اساسی است." (معروف ۱۳۸۳: ص ۴۳) تعدادی از شرق شناسان خلافت عباسی را، عصر طلایی خلافت اسلامی دانسته اند. دوره ای که اعتلای تمدن اسلامی، رونق، آبادانی و توسعه را به ارمغان آورد. قلمرو حکومت عباسی وسعت یافت، آئین کشور داری و دیوانسالاری، با بهره مندی از تجارب ایرانیان تغییر کرد. در این دوره، نهضت عظیم فکری و فرهنگی و تحول شگرف اجتماعی در جامعه اسلام بوجود آمد و با حضور موثر ایرانیان، کار تألیف، تدوین و ترجمه رونقی بسزا یافت. این شکوفایی علمی، موجب رشد ابعاد علمی و عملی موسیقی در دوره عباسی شد ابن خلدون در باره موسیقی دوره عباسیان معتقد است: "هنر موسیقی نژاد عرب همچنان به پیشرفت خود ادامه داد، اما در دوره عباسیان به درجه کمال رسید." (بلخاری ۱۳۸۲: ص ۵۲) در میان هنرهایی که در دامان جهان اسلام نمود پیدا کرد، مشخص ترین تاریخچه و روایت تکامل شاید مربوط به علم موسیقی باشد. شاید این بدان علت است که موسیقی عجین با ریاضیات و فلسفه به جهان اسلام وارد شد. هنر موسیقی از جمله هنرهایی است که در زندگی اجتماعی جوامع بشری، تاثیر فراوانی داشته است. جامعه عصر عباسی نیز از این تاثیر مستثنی نبوده و در این دوره مبانی نظری و عملی موسیقی و جایگاه اجتماعی آن، با نقش مندی ایرانیان و تربیت موسیقیدانان بزرگ، از توجه خاصی برخوردار بود. گونه های هنری و پیام آنها، تابعی از ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری محسوب می شوند. موسیقی از جمله هنرهایی است که می توان گفت بیشترین تاثیر را از پدیده های سیاسی اجتماعی جامعه می پذیرد و این تاثیر را می توان در تئوری های نظری و آثار عملی موسیقیدانان شاهد بود. در این شرایط اجتماعی دوره عباسیان، هنر موسیقی به دلیل تجلی جلوه های شکوه و اقتدار حکومت عباسیان، مورد توجه خلفا قرار گرفت و سبب تکوین و قوام موسیقی و همچنین تربیت موسیقی دانان بزرگی گردید.

در این پژوهش سعی بر این است با استفاده از متون تاریخی معتبر، مطالعه و تحلیل نظریات مختلف محققین و پژوهش های تاریخی، نقش ایرانیان در پیشرفت موسیقی در دوره عباسیان، تبیین گردد.

اسلام و هنر

ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به صورت تدریجی و گام به گام نبود، بلکه همچون ظهور خود دین اسلام و حکومت اسلامی، روندی پرشتاب و ناگهانی داشت. عمده آنچه بر شکل گیری و تزئین بناهای صدر اسلام تأثیر گذاشت ویژه مسلمانان بود و این تأثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که پیش از اسلام به آن شکل صورت وجود نداشت. (مکی ۱۳۸۳: ص ۳۸۷)

هنر اسلامی برای گسترش خود از منابع بسیاری الهام گرفت: هنر رومی، هنر اولیه مسیحی، و هنر بیزانس در هنر و معماری اسلامی اولیه مؤثر بودند؛ نفوذ هنر ساسانی از ایران پیش از اسلام، اهمیت بیشتری داشت؛ بعدها روش‌ها و عناصر مختلفی از هنر آسیای مرکزی و هنر چین طی تاخت و تازهای چادرنشینان مغول اثر مهمی در نقاشی اسلامی، سفالگری، و منسوجات برجای گذاشت. بازنمایی تصویری موجودات زنده در قرآن به صراحت منع نشده با این وجود بسیاری از مسلمانان ترسیم چهره‌ها و موجودات زنده را خطری به سوی بت‌پرستی به‌شمار می‌آوردند و گناه می‌دانستند. (مکی ۱۳۸۳: ص ۳۸۹) بنابراین هنر اسلامی اغلب بر خلق زیبایی با نقوش انتزاعی و استفاده از حروف متمرکز بوده است. و به دلیل محدودیت نسبی سایر هنرها همچون نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، مسلمانان به توسعه سبک‌های مختلف در زمینه‌هایی انتزاعی سوق داده شدند. در هنر اسلامی به عناصر تکرار شونده زیادی برمی‌خوریم مانند استفاده از طرح‌های هندسی و یا ترسیمی تخیلی از گل و گیاه که به اسلیمی معروفند. نقوش اسلیمی در هنر اسلامی اغلب به‌عنوان نمادی از طبیعت بیکرانی به‌کار می‌رود که مخلوق خداست. هرچند این نظریه مورد قبول همگان نیست اما تعمد در عدم بازنمایی و تقلید دقیق طبیعت را معمولاً به‌عنوان نشانی از فروتنی هنرمندان دانسته‌اند که معتقد بودند ایجاد کمال تنها خاص خداوند است. (مکی ۱۳۸۳: ص ۳۸۹)

انواع هنر

هنر اسلامی یکی از دوران‌های شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به‌شمار می‌آید و شامل انواع متنوعی از هنر همچون معماری، خوشنویسی، نقاشی، سرامیک و مانند آن‌ها می‌شود. در این پژوهش با تمرکز بر نقش ایرانیان در شکوفایی هنر موسیقی و هنر معماری، در ادامه با این رویکرد، به بررسی این هنرها می‌پردازیم.

هنر موسیقی

هنر موسیقی از آغاز آفرینش انسان، به عنوان عضوی انفکاک ناپذیر در زندگی او حضور داشت و هم‌زمان با پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری به تکامل رسید. در پی ظهور آیین مقدس اسلام و دگرگونی ارزش‌های جاهلی، هنرهای مختلف هم‌چهره‌ای جدید به خود گرفتند و از جمله آن‌ها موسیقی نیز رو به تکامل و تعالی نهاد، حقیقت اصلی خود را بازیافت و در هر دو وجه عملی و نظری، ارتقای بسیار پیدا کرد. در این مسیر، با وجود همه‌ی حساسیت‌هایی که در حوزه‌ی موسیقی وجود داشت، موسیقی دانانی بزرگ در سرزمین‌های اسلامی و به ویژه بغداد، پایتخت دولت عباسی ظهور کردند و حکمای مسلمان در حوزه‌ی موسیقی نظری، رسایل متعدد به یادگار گذاشتند که حتی اروپای مسیحی را تحت تأثیر قرار داد. (مسعودی ۱۳۸۲: ص ۳۵۱)

تمدن اسلامی در عصر عباسی، بستری مناسب را برای پیشرفت و تکامل علم، ادب و هنر فراهم آورد؛ چنان‌که وقتی مسلمانان از فتوحات و جنگ، رهایی یافتند و ثروت و قدرت دولت رو به فزونی نهاد، گرایش به انواع هنرهای زیبا میان خلفا، بزرگان و طبقات مختلف جامعه‌ی بغداد افزایش یافت. در این میان، هنر موسیقی، به عنوان ابزاری مهم برای جلوه‌گر کردن شکوه و اقتدار خلفای بغداد، جایگاهی ویژه داشت. این خلفا تحت تأثیر فرهنگ ایران زمین و به شیوه‌ی شاهان ساسانی، با حمایت از نوازندگان و خوانندگانی همچون ابراهیم و اسحاق موصلی، ابن جامع، منصور زلزل، ابراهیم بن مهدی، مخارق، بر صوما، علویه، حکم وادی، عمرو بن بنان و بسیاری دیگر، در پیشرفت موسیقی این دوره، نقشی مهم ایفا کردند. (مکی ۱۳۸۳: ص ۳۴۰) چنان‌که بخشیدن انعام‌ها و جوایز فراوان

به موسیقی دانان و تعیین حقوق و مقرری برای‌شان از سوی دربار، موسیقی این دوره را به کمال رساند. نهضت ترجمه و ظهور موسیقی دانان خلاق، از دیگر عواملی است که در شکوفایی موسیقی این دوره اثرگذار بود؛ افزون بر این، نقش ایرانیان در ایجاد تحولی مثبت در این زمینه را نمی‌توان نادیده گرفت.

ایرانیان نام آور موسیقی در دوره عباسیان

برای تبیین جایگاه ایرانیان در رشد و ترویج هنر موسیقی در دوره عباسیان، در ادامه به ذکر نام آوران عرصه علم و عمل در موسیقی با ذکر آثار و نظریاتشان در شناخت هنر موسیقی می‌پردازیم. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل بهره مندی مطلوب، این مطالب در قالب جدولی طراحی گردیده است، که مطالب مندرج با استفاده از کتب: شرح ادوار صفی‌الدین ارموی، تالیف سید عباس معارف، سرگذشت هنر در تمدن اسلامی تالیف حسن بلخاری و تاریخ سیاسی اسلام تالیف حسن ابراهیم حسن، تدوین شده است.

جدول ۱ - ایرانیان نام آور هنر موسیقی در دوره عباسیان

۱۸۵-۲۵۲ هـ ق	زندگی	تالیف ۸ رساله در موسیقی: ۱- رساله فی خبر صناعه التالیف یا رساله در هنر ترکیب نغمه ها ۲- المصوبات الوتیره من ذات الواحد الی ذات العشره الاوتار ۳- رساله فی اجزا خبریه فی الموسیقی ۴- رساله فی اللحن و النغم ۵- المدخل الی صناعه الموسیقی ۶- رساله الایقاع (رساله ریتم) ۷- رساله فی ترتیب النغم الداله علی الطابع و الاشخاص العالیه ۸- کتاب العزم فی تالیف اللحن	ابویوسف کندی اثر
مشهور به فیلسوف عرب احتمالا اولین فیلسوف در تمدن اسلامی که در موضوع موسیقی سخن گفته است	نظر ویژگی		
۲۸۹ - ۲۴۲ هـ ق	زندگی	الآغانی اصفهان در الآغانی بزرگترین مجموعه موسیقایی و ادبی تا قرن ۴ هجری را تدوین کرده است.	ابوالفرج اصفهان
بزرگترین اثر ادبی و موسیقایی تمدن اسلامی بدون هیچ شک و تردیدی کتاب الآغانی است.	نظر ویژگی		
۳۳۸ - ۲۵۷ هـ ق	زندگی	الموسیقی الکبیر: شامل دو کتاب است: مبادی علوم موسیقی و آراء صاحب نظران معرف موسیقی شاید اولین متن موسیقایی در موضوع موسیقی در جهان اسلام باشد.	اثر

فارابی	نظر ویژگی	به تعبیر ابن خلیلان فارابی، علی الاطلاق بزرگ ترین فیلسوف اسلام است. لقب معلم ثانی از آن اوست.
--------	--------------	--

جدول ۲- ایرانیان نام آور هنر موسیقی در دوره عباسیان

ابن سینا	زندگی	۴۲۸ - ۳۷۰ هـ ق
	اثر	جوامع العلم الموسیقی (فن دوازدهم کتاب شفا) دو رساله با عنوان المدخل الی صناعه الموسیقی و اللوایح دارد که اثری از آنها نیست.
	نظر ویژگی	موسیقی را «تنها خاصیتی از اجسام مادی» می داند که «در همه امتدادها ظهور می کند».
ابن زبیله اصفهانی	زندگی	متوفی ۴۴۰ - ؟ هـ ق
	اثر	کتاب الکافی فی الموسیقی
	نظر ویژگی	از برجسته ترین شاگردان ابن سینا که ابن سینا او را شیخ الفاضل خوانده است. بدلیل ابتکار و نوآوری هایش در موسیقی مشهور است.
اخوان الصفا	زندگی	گروهی از اندیشمندان اسلامی که در قرن ۴ هجری در بصره و اطراف بغداد زندگی می کردند.
	اثر	رساله خامسه اخوان الصفا از اولین متون نظری موسیقی اسلامی که شامل ۱۴ فصل است.
	نظر ویژگی	از همه هنرهای دستی تنها موسیقی است که ماده آن جوهر روحانی است.
امام محمد غزالی	زندگی	۵۰۵ - ۴۵۰ هـ ق
	اثر	کتاب وجودالسماع از کتاب احیاءالعلوم آداب و السماع و الوجد
	نظر ویژگی	موسیقی از نظر و اندیشه غزالی عنوان سماع را برای خود برگزید.
شیخ شهاب الدین سهروردی	زندگی	۵۸۷ - ۵۴۹ هـ ق
	اثر	ابواب ۲۲ و ۲۵ کتاب عوارف المعارف خود را به سماع اختصاص داده است.
	نظر ویژگی	ملقب به شیخ الاسلام

نقش
موسیقی

نقش ایرانیان در انتقال و ترویج هنر موسیقی

شاید مهم ترین عامل مؤثر در رشد و ترقی فرهنگ و تمدن اسلامی و جلوه های زیبای آن، راه یافتن ایرانیان به دربار خلفای عباسی و برقراری رابطه ی دوستی میان دستگاه خلافت و طبقات ممتاز ایرانی بود. تغییر مرکز خلافت، از شام به بغداد که تحت نفوذ فرهنگی ایران قرار داشت، به پی ریزی بنیاد فرهنگی و علمی حکومت

عباسی کمک مؤثر کرد. در دربار این حکومت، آداب و رسوم ایرانی بیش از پیش تقلید و به آن تشویق می شد و ذوق و سلیقه‌ی ایرانی، هر روز، ارزش و اعتبار بیشتری می یافت. اگر در دوره‌ی اموی، مهم‌ترین اقدام، این بود که موسیقی ایرانی عملاً رواج داده شود، در دوره‌ی عباسی، فرضیه‌های علمی و نظری موسیقی نیز مورد بحث و تحقیق قرار می گرفت. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵:ص ۲۵۰) همچنان که به گفته‌ی مسعودی، عرب‌ها موسیقی‌ای ساده داشتند تا اینکه نذر بن حارث بن کلدی در حیره به حضور خسرو رسید و عودنوازی و آواز خوانی را در آن شهر آموخت و پس از بازگشت به مکه، این دو هنر را به مردم آنجا یاد داد. (مسعودی ۱۳۸۲:ص ۳۵۴) اما پس از فتوحات و رفت و آمد با ملت‌های مغلوب، غنا و موسیقی رایج در این سرزمین‌ها و به ویژه ایران به مذاق خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس خوش آمد و مورد توجه آنان واقع شد؛ به گونه‌ای که اعراب، موسیقی و آواز را از معماران و بنایان ایرانی‌ای که برای تعمیر خانه‌ی کعبه به دستور عبدالله بن زبیر به مکه رفته بودند، فرا گرفتند. این معماران ضمن انجام دادن کار، آواز می خواندند و در زمان استراحت، عود می نواختند. سعید بن مسجع، آوازه‌های ایشان را آموخت و شعرهایی در قالب آهنگ‌های ایرانی ساخت و آنها را در میان اعراب منتشر کرد. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵:ص ۲۷۷-۲۷۶) همچنین ابن سیرج، موسیقی دان بزرگ عصر اموی، نواختن عود را از ایرانیان فرا گرفت. ابوالفرج اصفهانی گفته است: «کسانی که بر بطن نوازی او را دیده‌اند، گویند بر بطنش بر پایه‌ی بربط‌های ایرانی بود و او این ساز را از ایرانیانی که عبدالله بن زبیر برای تعمیر کعبه به مکه آورده بود، فرا گرفت.» (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵:ج ۲ ص ۳۲۰)

بدین ترتیب، اعراب موسیقی ایرانی را به لحاظ شکل، ساختار و محتوا اقتباس کردند و این وام‌گیری در عصر عباسی به نقطه‌ی اوج خود رسید؛ زیرا اولاً ایرانیان از بنیانگذاران دولت عباسی بودند، در دستگاه خلافت، قدرت و مقام یافتند و از این طریق، در انتقال علم، ادب و هنر ایرانی به جهان اسلام کوشیدند؛ ثانیاً خلفا روش پادشاهان ساسانی را برای حکومت خود برگزیدند و کوشیدند از این فرهنگ الگوبرداری کنند؛ بنابراین، به دنبال ورود خالد برمکی به عنوان وزیر به دربار عباسیان در زمان ابوالعباس سفاح (۱۳۶-۱۳۲ق) نفوذ سیاسی و فرهنگی ایرانیان در دستگاه خلافت آغاز شد (ابن طقطقی ۱۳۶۰:ص ۱۵۵) و افکار و عقاید، آداب و رسوم، و فرهنگ و هنر ایرانی در این دوره، مورد توجه قرار گرفت. برمکیان از خالد تا پسرش یحیی و نوه‌هایش فضل، جعفر، موسی و محمد، همه در ترویج موسیقی، اقداماتی مؤثر انجام دادند و با حمایت از پژوهش‌های علمی و موسیقی دانان آن عصر، منشأ خدمات گسترده در این زمینه شدند؛ بدین ترتیب و پس از این تحولات، ایرانیان خوشفکر و با ذوق که در دستگاه خلافت نفوذ داشتند، کتاب‌هایی را که از دوره‌ی ساسانی باقی مانده بود، به عربی برگرداندند و موسیقی دانان برجسته‌ی ایرانی همچون ابراهیم بن ماهان موصلی، فرزندش اسحاق، شاگرد اسحاق به نام زریاب، منصور زلزل و چندین تن دیگر، موسیقی علمی را به زبان عربی بر پایه‌ی موسیقی عهد ساسانی استوار کردند و رونق بخشیدند و علاوه بر اختراع و تکمیل سازها، کتاب‌هایی سودمند نیز در زمینه‌ی موسیقی تألیف کردند. (مشحون ۱۳۸۸:ص ۱۱۶)

بنیان‌های موسیقی ایرانی در دوره عباسی

یکی از عوامل مهمی که سبب شد موسیقی ایرانی، اساس موسیقی دوره‌ی اسلامی قرار گیرد و اصول و قواعد آن، جانشین موسیقی عرب شود، طرفداری ابراهیم بن مهدی از موسیقی ایرانی بود. او فرزند مهدی، سومین خلیفه‌ی

عباسی بود و در نوازندگی و خوانندگی، فردی توانا به شمار می رفت. (ابن خلکان ۱۳۶۴: ص ۳۹) چنان که گفته اند هنر موسیقی در زمان او و ابراهیم موصلی به کمال رسید. (ابن خلدون ۱۳۷۷: ص ۸۵۴) وی شخصی متنفذ و مقتدر بود و اعتقاد داشت باید آنچه را به ذوقش مطبوع می آید، بخواند و بنوازد و به سبک قدیم مقید نباشد. این خلیفه زاده که مادری ایرانی به نام «شکله» داشت (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۳ ص ۹۶) و با آداب و سنن ایرانی پرورش یافته بود، پیشوای نهضتی در موسیقی بعد از اسلام شد که اصالت و روح موسیقی ایرانی در آن، مشهود بود؛ در نتیجه «تنبور» خراسانی با فواصل اختصاصی آن به جای «تنبور» بغدادی متداول شد و سنت ها و حالات موسیقی ایرانی، جای سنن موسیقی عرب را گرفت. (مشحون ۱۳۸۸: ص ۱۱۹)

نادره بدیعی، پژوهشگر حوزه ی موسیقی، معتقد است اعراب نه تنها ترانه خوانی، بلکه به طور کلی، موسیقی خود را وامدار ایرانیان هستند. وی نوشته است:

زمان استیلای سیاسی عرب بر ایران، برای فرهنگ و ادبیات ایران، دوره ی بازآفرینی به شمار می آمد که این تحول به موسیقی نیز کشیده شد و مانند دیگر شاخه های فرهنگ و هنر، بخشش و دهش خود را به بیگانگان آغاز کرد و نه تنها خود را از پوسیدگی و انجماد هنری اواخر عصر ساسانی رها نید؛ بلکه سرآغازی شد برای پیدایش هنر موسیقی در سرزمین های عرب. (بدیعی ۱۳۵۴: ص ۴۹) امام شوشتری، نویسنده ی کتاب ایران، گاهواره ی دانش و هنر نیز موسیقی دوره ساسانی را یگانه منبع موسیقی روزگار اسلامی دانسته و معتقد است این هنر زیبا چه از دیدگاه علمی و چه از منظر عملی، سرچشمه ای جز کتاب های موسیقی عهد ساسانیان و موسیقی شناسان ایرانی نداشته است. (امام شوشتری ۱۳۴۸: ص ۹۶) روح الله خالقی، موسیقی دان معاصر نیز حضور وزیران ایرانی همچون خاندان برمک و سهل در دربار خلفای عباسی را از عوامل مهم پرورش اهل هنر شمرده است. این وزیران که دارای قدرت مادی و معنوی بودند و به احیای آداب و رسوم ایرانی علاقه ی بسیار داشتند، در ترویج و تکمیل هنر موسیقی و تشویق به آن کوشیدند (خالقی ۱۳۷۷: ص ۳۱) با وجود این، جرج فارمر، پژوهشگر انگلیسی، با اینکه ایرانیان را عامل پیدایش وضعیتی نوین در عصر عباسی دانسته و ذهنیت خاص ایرانی در عرصه های هنری، فلسفی و علمی تمدن اسلامی را عنصری مؤثر و تعیین کننده ارزیابی کرده است، عقیده دارد در زمینه ی موسیقی، نفوذ و تأثیر ملموس ایران، مدت ها پس از این دوره ظاهر شد. وی نوشته است: این تأخیر، ناشی از این حقیقت است که نوازندگان، طبقه ی کاملاً مشخصی را در جامعه تشکیل می دادند که به دلیل انزوای طبقاتی، تنگ نظر و محافظه کار بودند؛ بنابراین در چنین حالتی، تقریباً تمامی نوازندگان عصر طلایی یا از نژاد عرب بودند یا در عربستان متولد شده بودند و همگی آن ها اهل حجاز بودند که وطن همه ی هنرهای عرب محسوب می شد (فارمر ۱۳۹۷: ص ۱۷۶-۱۷۷)

شایان ذکر است بر اساس آنچه در کتاب الاغانی آمده و منابع دیگر نیز گفته اند، بسیاری از موسیقی دانان برجسته ی این عصر، تبار ایرانی داشتند و موسیقی عصر عباسی، مدیون نبوغ، تلاش و دانش آنهاست. از جمله این افراد می توان ابراهیم بن ماهان ارجانی موصلی، اسحاق بن ابراهیم، علی بن نافع زریاب، منصور زلزل و حکم الوادی را نام برد که صرف داشتن نام عربی، دال بر اصل عربی شان نیست؛ زیرا گاهی برخی از آن ها به سبب سرزنش های اعراب، نام پدر خود را به عربی تغییر می دادند؛ مانند ابراهیم بن ماهان که به ابراهیم بن میمون شهرت یافته بود. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۵ ص ۱۵۴)

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشرفت علوم به طور عام و علم موسیقی به صورت خاص، ترجمه ی متون یونانی، سریانی، پهلوی و هندی به زبان عربی بود. دانشمندان مسلمان با گردآوری و ترجمه ی آثار مختلف به عربی که زبان دنیای اسلام بود، نه تنها توانستند میراث گذشتگان را حفظ کنند؛ بلکه خود نیز دستاوردهایی جدید به آن افزودند. روند ترجمه که در آغاز، به صورتی پراکنده و غیر حکومتی بود، در زمان حکومت عباسیان، با حمایت خلفا و وزیران و تأسیس بیت الحکمه، به نهضتی علمی تبدیل شد. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۵ ص ۱۵۴)

بنابراین، در ادامه ی این نهضت علمی در عصر مأمون، با توسعه ی فضای باز فرهنگی آمیخته با تسامح مذهبی، فراهم آمدن زمینه برای ابراز عقیده و نیز اظهار نظرهای فرهنگی و مذهبی همراه رواج روحیه ی خردگرایی، آزاد اندیشی و شکوفایی شخصیت انسانی در محیط علمی و فرهنگی ای مناسب و پر جنب و جوش که البته رونق اقتصادی نیز به آن افزوده می شد، بغداد به دارالعلمی افسانه ای و مرکز تجمع دانشمندان، هنرمندان، فقها، صنعتگران و ... تبدیل شد (جان احمدی ۱۳۷۹: ش ۹۸) بدین ترتیب، در چنین اوضاع فرهنگی و اقتصادی، بسیاری از رسالات مربوط به نظریه ی موسیقی یونانی به زبان عربی ترجمه شدند و در اواخر قرن سوم هجری قمری، دانشمندان مقیم بغداد تقریباً تمام نظریه های موسیقی یونان را در اختیار داشتند و بخش عمده ی این نظریات، در موسیقی عرب جذب شد؛ تا جایی که نظریه پردازان مسلمان به زودی به کارشناسانی خبره تبدیل شدند و طولی نکشید که از نظر علمی، درباره ی صدا و کوک کردن سازها از خود یونانیان نیز سبقت گرفتند. (دنيس اسپونس و الک رابرتسون ۱۳۶۹، ص ۲۳۶)

آنچه را اعراب از یونانیان اقتباس کرده اند، می توان بر اساس نامگذاری های فنی آن ها دریافت. واژه «غنا» تا آن زمان هم گویای آواز و هم به طور کلی، به معنای موسیقی بود؛ اما از این زمان به بعد، این واژه فقط به جنبه عملی موسیقی اختصاص یافت؛ در حالی که موسیقی، معنایی نظری و علمی پیدا کرد. (فارمر ۱۳۹۷: ص ۲۸۵) در نهایت می توان گفت در پی برگرداندن متون یونانی، پهلوی، هندی و سریانی به عربی، مسلمانان با بهره گیری از این علوم، خود نیز در زمینه ی موسیقی، کتاب هایی نوشتند. خلیل بن احمد فراهیدی، مؤلف کتاب العین در لغت، نخستین کسی بود که پس از ظهور اسلام، درباره ی علم موسیقی، کتاب النغم و الايقاع را تألیف کرد. (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۴۸) البته این اثر او اکنون در دسترس نیست. پس از وی اسحاق بن ابراهیم موصلی، چندین کتاب در زمینه ی موسیقی نوشت که امروز، جز نامی از آنها باقی نمانده است (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۴۸) اما یعقوب بن اسحاق کندی، ملقب به فیلسوف عرب، از مشهورترین دانشمندان و سرآمدان عصر عباسی است که بیشتر دوران حیاتش در دوره ی نهضت ترجمه گذشت. او مدتی ریاست دارالترجمه ی مأمون را بر عهده داشت و علاوه بر داشتن مهارت در علوم همچون منطق، نجوم، فلسفه، حساب و طب، در حوزه ی موسیقی نیز آثاری را تألیف و ترجمه کرد. از جمله این تألیفات که با استفاده از ترجمه متون یونانی حاصل شده است. (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۳۱۷)

علاوه بر آنچه گفتیم، از خاندان خوارزمی، محمد، احمد و حسن، فرزندان موسی بن شاکر که در تاریخ علم، به بنی المنجم مشهورند، در بیت الحکمه، زیر نظر اسحاق بن مصعبی، به تعلیم و تعلم مشغول شدند. آن ها توانستند کتاب های بسیار در زمینه هندسه، حیل، نجوم و حرکات کواکب، و موسیقی (ابن خلکان ۱۳۶۴: ج ۵ ص ۱۶۱) تألیف و آثاری بی شمار را نیز به زبان عربی ترجمه کنند. (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۳۴۲) از این زمان به بعد، تألیف کتاب های

علمی در حوزه ی موسیقی، به صورت رساله های مستقل افزایش یافت؛ مثلاً یحیی بن منجم، رساله فی الموسیقی را نوشت و ابونصر فارابی در سال ۳۲۹ق. بزرگ ترین کتاب به نام الموسیقی الکبیر را درباره ی صناعت موسیقی و پرده بندی ساز عود تألیف کرد؛ علاوه بر این تک نگاشته ها، در نوشته های چند دانشی مثل شفا اثر ابن سینا نیز موسیقی به عنوان فن سوم، در بخش ریاضیات جای گرفت و بدین ترتیب، یک علم شناخته شد و دانشمندان مسلمان در طبقه بندی علوم، این حوزه را به عنوان یکی از شاخه های چندگانه ی علم ریاضی در کنار هندسه، حساب و نجوم قرار دادند؛ مثلاً فارابی در احصاء العلوم (فارابی ۱۳۴۸: ص ۸۶) خوارزمی در مفاتیح العلوم (خوارزمی ۱۳۶۲: ص ۲۲۷) ابن سینا در دانشنامه ی علایی (ابن سینا ۱۳۹۴: ص ۱۷) و اخوان الصفا در رسالات خود (ابن سینا ۱۳۹۴: ص ۴۷) موسیقی را به عنوان بخشی از علم ریاضی مطرح کردند؛ شاید به این دلیل که مطرح کردن این حوزه به عنوان یک علم، آن را از حملات دائمی متعصبان با توجیه مفسده انگیز بودن غنا و موسیقی در آمان نگاه دارد.

موسیقی دانان خلاق و توانمند در خلافت عباسی

یکی از مهم ترین عوامل رشد و رواج موسیقی در این دوره، ظهور موسیقی دانان مستعد بود. هوش زیاد، نبوغ، استعداد و مهارت زیاد این افراد در نوازندگی و خوانندگی، باعث گرایش بیشتر افراد از طبقات مختلف مردم به موسیقی شد. در الاغانی، عقد الفرید و کتاب های تراجم، نام شمار زیادی از این افراد ذکر شده و این مسئله، نشان دهنده ی گسترش موسیقی در عصر عباسی است. از جمله این موسیقی دانان می توان این افراد را نام برد:

- **حکم الوادی:** به گفته ابوالفرج اصفهانی، او اصالتاً ایرانی و در موسیقی، یگانه ی روزگار خود بود، دف می زد و بدون تمرین، آواز می خواند. وی در دربار مهدی، هادی و هارون الرشید آواز می خواند؛ همچنین نزد ابراهیم بن مهدی در زمان امارتش بر دمشق و پسران سلیمان بن علی و نیز محمد بن ابوالعباس و سفاح، موسیقی اجرا کرد و از آنان صلوات گرانهای بسیار گرفت. این موسیقی دان در اواسط حکومت هارون الرشید در گذشت. (ابوالفرج ۱۴۱۵ اصفهانی: ج ۶ صص ۲۸۵-۲۸۰)

- **سیاط:** عبدالله بن وهب، معروف به سیاط، اهل مکه و از پیشکسوتان موسیقی عربی بود و در اواخر خلافت هادی در گذشت. او نوازنده ای ماهر و خواننده ای خوش آواز بود که در مجالس خلفا و بزرگان عصر خویش موسیقی اجرا می کرد. ابراهیم موصلی و ابن جامع، غنا را از او آموختند. ابراهیم موصلی در ستایش خوشخوانی او به پسرش گفته بود: «سیاط، کسی بود که اگر زنده می ماند، پدرت چیزی برای خوردن نمی یافت».. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۶ صص ۱۵۷-۱۵۲)

- **یحیی بن مرزوق مکی:** وی از مغنیان مشهور اواخر عصر اموی و اوایل دوره ی عباسی بود و تا زمان معتصم، در دربار خلفا آواز می خواند. ابراهیم موصلی، ابن جامع و فلیح بن ابی عورا آوازهای قدیم را از او آموختند. این موسیقی دان، کتابی به نام الاغانی، شامل سه هزار آواز قدیم را تألیف و به عبدالله بن طاهر، امیر خراسان تقدیم کرد. فرزندان او نیز اهل موسیقی بودند و آخرین آن ها به نام محمد بن احمد بن یحیی مکی در مجلس معتمد حضور می یافت و بدون تمرین، آواز می خواند (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۶ صص ۱۷۹-۱۷۲)

- **ابراهیم و اسحاق موصلی:** این پدر و پسر، از بزرگ ترین موسیقی دانان دوره ی عباسی بودند که بر هنرمندان پس از خود اثر بسیار گذاشتند. آنان در سال های طلایی حکومت عباسی درخشیدند و در تکمیل موسیقی این دوره، نقشی مؤثر ایفا کردند. ابراهیم موصلی (۱۲۵-۱۸۸ ق) در دربار سه تن از خلفای عباسی (مهدی، هادی و

هارون)، همه را مقهور خود کرده بود؛ چنان که بر صوما، نی زنِ دربار رشید، درباره اش می گفت: ابراهیم، بوستانی است که هر نوع گل و میوه ای در آن جمع است. وی نژاد ایرانی داشت (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۱۵۷) و هنر نوازندگی و خوانندگی را در بصره، خوزستان و ری نزد استادان ایرانی فرا گرفت. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۵ ص ۱۶۰) عزیمت این هنرمند به بغداد و ورود به کاخ مهدی، سرآغاز ثروت و مکتش و نیز شکوفایی موسیقی عربی و ایرانی بود که تا پایان عمر وی ادامه یافت.

- **زریاب:** علی بن نافع ملقب به زریاب، از موسیقی دانان برجسته ی ایرانی تبار در قرن سوم هجری است که شهرت و محبوبیتش در اندلس و مغرب زمین، به تعریف و توصیف نیاز ندارد. او آداب و رسوم ایرانی را در آن دیار رواج داد و از طریق تأسیس مدرسه ای برای آموزش موسیقی توانست با پژوهش ده ها هنرمند، سبک ها، نظریه و ابزارهای موسیقی ایرانی و اسلامی را به اسپانیا و دیگر نقاط اروپا منتقل کند. زریاب، نخست نزد خلفای عباسی (مهدی، هادی و هارون) موسیقی اجرا می کرد (ابن عبدربه ۱۴۰۴: ج ۷ ص ۳۷) اما گویا استادش، اسحاق موصلی، با حسادت به جایگاه او نزد خلیفه هارون و مهارت زیادش در نوازندگی عود، پس از اینکه در مجلس هارون الرشید، با چیره دستی فراوان، موسیقی اجرا کرد، او را تهدید کرد که یا بغداد را ترک کند و یا در مجلس خلیفه حاضر نشود. زریاب نیز پس از تفکر بسیار، به سوی مغرب اسلامی رهسپار شد و از آنجا به اندلس رفت و بر هنر، ادب و زندگی اجتماعی مردم آن دیار اثر فراوان گذاشت. (خضری ۱۳۷۴: ص ۱۰۸) ابن خلدون ضمن بیان تأثیر زریاب بر موسیقی اندلس، مطالبی جالب را درباره ی این موسیقی دان ایرانی آورده است؛ اگر چه او امیر اندلس را در آن عصر، به اشتباه، به جای عبدالرحمان بن حکم، حکم بن هشام ذکر کرده است. وی نوشته است:

"ابراهیم و اسحاق موصلی، غلامی داشتند که نام او زریاب بود. او فن موسیقی را از آنان فرا گرفته و در آن، مهارت یافته بود؛ از این رو، موصلیان بر وی رشک بردند و او را به مغرب فرستادند. پس زریاب به درگاه حکم بن هشام، امیر اندلس رسید و او خود زریاب را شناخت و در گرامیداشت وی کوشید و به او جایزه های عالی بخشید و برایش اقطاع و مقرری تعیین نمود و وی را در دربار خود و در بین ندیمانش به پایگاهی بلند رسانید؛ به همین دلیل، هنر موسیقی در اندلس به واسطه ی حضور زریاب پیشرفت زیادی کرد و پس از وی تا زمان ملوک الطوائف، آثار او همچنان باقی و متداول بود و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شد؛ چنان که در اسپانیه، هنر وی همچون دریایی بی کران وسعت یافت و با از بین بردن رونق و شکوه آن شهر، یادگار های هنری زریاب از آنجا به کشورهای ساحلی افریقه و مغرب منتقل شد." (ابن خلدون ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۳۵۵)

گفتنی است که حضور زریاب در اسپانیای اسلامی، تحولی چشمگیر در آداب و رسوم و رفتار اجتماعی مردم آن دیار بر جای نهاد؛ بدین صورت که مردم در طرز پوشش، نوع خوراک و جنبه های مختلف زندگی اجتماعی، از این موسیقی دان شهیر پیروی می کردند. (ابن خلدون ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۳۵۶)

- **منصور زلز:** این موسیقی دان ایرانی الاصل از پیشگامان تحول موسیقی در بغداد و بزرگ ترین نوازنده ی بربط در دوره ی خویش بود. خواهرش همسر ابراهیم موصلی بود و ابراهیم، عودنوازی را از وی آموخت. هنگامی که این دو برای اجرای ساز و آواز، با یکدیگر همراهی می کردند، مجلس به شور و ارزه می افتاد (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۵ ص ۱۵۶) منصور در دربار مهدی، هادی و هارون، نوازنده ای بی مانند به شمار می رفت. همچنین بر صوما، نوازنده ی کاخ هارون درباره ی او می گفت: «زلزل سر پنجه ای دارد که خدا مانند آن را نیافریده

است. وقتی وی عود بنوازد، احنف شاعر که به وقار و سنگینی معروف است، به شور و وجد می آید». (جاحظ ۱۳۴۳: ص ۳۹) ابن عبدربه نیز او را از ماهرترین نوازندگان آن زمان دانسته و معتقد است قبل و بعد از او کسی همانندش نیامده است. این هنرمند، کمتر آواز می خواند و همواره با عود خود، ابراهیم موصلی را همراهی می کرد و به همین سبب، به «منصور الضارب» معروف شد. (ابن عبدربه ۱۴۰۴: ج ۷ ص ۴۱) همچنین عود الشبوط را به او نسبت داده اند که در آن روزگار، در بغداد متداول بود. (خوارزمی: ۱۳۶۲ ص ۲۲۷)

- **ابن جامع:** او یکی از برجسته ترین موسیقی دانان عرب در دوره ی عباسی بود که در دربار خلفایی همچون مهدی، هادی و هارون، موسیقی اجرا می کرد. ابن جامع اصالتاً قریشی بود و از اینکه به عنوان یک عرب قریشی، شغل مغنigری را انتخاب کرده بود، همواره از جانب خلفا سرزنش می شد و حتی خلیفه مهدی او را به همین دلیل و نیز به سبب هم نشینی با فرزنداناش، از بغداد به مکه تبعید کرد. (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۶، صص ۳۰۳-۲۸۹) او رقیب ابراهیم موصلی در دربار بود و در بسیاری از مسابقات و مناظرات با او شرکت می کرد. ابن عبدربه آوازهای او را شیرین و دلچسب توصیف کرده و از زبان برصومای مزار نواز، او را به عسلی شیرین و گوارا تشبیه کرده است. (ابن عبدربه ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۳۴) همچنین جاحظ، آواز این هنرمند را همچون شراب قطریل دانسته است که موجب سرمستی زیاد می شود. (جاحظ ۱۳۴۳: ص ۴۰)

- **علویه:** وی خواننده ای ماهر، ادیبی نیکو، آهنگساز و هنرمندی خوش مشرب در عصر اول عباسی به شمار می رفت. او شاگرد ابراهیم موصلی بود و این استاد به وی توجه ویژه داشت. علویه در دربارهای امین، مأمون، معتصم، واثق و متوکل، به فعالیت در حوزه ی موسیقی اشتغال داشت و در این مدت، از جوایز و صلات بسیار برخوردار شد. (جاحظ ۱۳۴۳: ص ۳۳۳)

- **محمد بن حارث بسختر:** به گفته ی ابوالفرج، اصل وی ایرانی و خودش از اهالی ری بود. او با ابراهیم موصلی هم زمان بود و بیشتر با آهنگ عود می خواند. وی علاوه بر حضور در مجالس خلفا، در حضور بزرگان آن عصر همچون عبدالله بن طاهر نیز موسیقی اجرا می کرد. (امام شوشتری ۱۳۴۸: ص ۸۷)

علاوه بر این افراد، عمرو بن غزال، سلیم بن سلام (جاحظ ۱۳۴۳: ص ۳۴) معاذ (طبری ۱۳۷۵: ج ۸ ص ۲۲۶) اهووص سغدی مخترع ساز شهرود (خوارزمی ۱۳۶۲: ص ۲۲۵) حماد بن اسحاق (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۱۵۹) فلیح بن عوراء (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۴ ص ۳۵۹) مخارق (ابن عبدربه، ج ۷، ص ۴۱) عمرو بن بانه و جعفر طَبَال (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۴ ص ۲۷۲) عَلَیَه (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۱۰ ص ۱۶۳) عرب (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۱۰ ص ۷۲) ضعف (مسعودی ۱۳۴۴: ص ۴۹۳) محبوبه (مسعودی ۱۳۴۴: ص ۴۲) شاریه (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۴ ص ۱۶) شاجی، بنان بن عمرو (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۴ ص ۳۰۲) و سلیمان بن قصار تنبوری (ابوالفرج اصفهانی ۱۴۱۵: ج ۴ ص ۳۱۹) هم از دیگر نوازندگان چیره دست و خوانندگان ماهری هستند که در این دوره، به فعالیت در حوزه ی موسیقی اشتغال داشتند و کوشش های آنان در این زمینه، موجب رشد و شکوفایی موسیقی عصر عباسی شد. افزون بر آنچه بیان شد، افراد و عوامل دیگری همچون تمایل فطری اقشار مختلف مردم، به شنیدن انواع آهنگها و سرودها و نیز رونق اقتصادی و افزایش ثروت دربار هم در رشد موسیقی این دوره، مؤثر بوده است.

در میان هنرهایی که در دامان جهان اسلام نمو پیدا کرد، مشخص‌ترین تاریخچه و روایت تکامل شاید مربوط به علم موسیقی باشد. اعتقاد فلاسفه بر این است که موسیقی عامل موثری در تکامل اجتماعی جوامع بشری می‌باشد. به عنوان نمونه افلاطون معتقد بود "جامعه به موسیقی احتیاج دارد و موسیقی جامعه را به سوی تکامل هدایت می‌کند." نکته مهم دیگر این که موسیقی در بهبود وضعیت اجتماعی و تنظیم روابط اجتماعی جامعه، نقش موثری دارد. با توجه به جایگاه اجتماعی هنر موسیقی و تئیدگی و پیوند هنر موسیقی با طبقات اجتماعی و شرایط فرهنگی، و نقش موثر آن در بهبود وضعیت اجتماعی جامعه و جلوه گر نمودن شکوه و اقتدار خلافت عباسی، خلفای عباسی توجه خاصی به هنر موسیقی داشتند. تمامی این شواهد همچنین، افزایش امنیت اجتماعی و پیشرفت کیفی علوم و نهضت ترجمه در دوره عباسیان، راه یافتن ایرانیان به دربار خلفای عباسی و برقراری رابطه‌ی دوستی میان دستگاه خلافت و طبقات ممتاز ایرانی، موجب شد تمدن اسلامی در این دوره، از میراث موسیقی ایران و نقش ایرانیان در ترویج هنر موسیقی استفاده نماید. نقش موثر ایرانیان در رونق موسیقی دوره عباسیان، موجب خلق آثار بزرگی گردید. ابویوسف کندی اولین فیلسوفی است که در تمدن اسلامی در مورد موسیقی سخن گفته است. از جمله رساله‌های موسیقایی کندی که تاکنون پیدا و چاپ شده کتاب بزرگی در فن موسیقی به نام «الکتاب الکبیر فی التألیف» است. در این کتاب موسیقی برای نخستین بار در میان کتب اسلامی از تعاریف سازها، علوم موسیقی، نت شناسی، نظم موسیقایی و به هم بافتگی در نواختن می‌توان مطالبی مشاهده کرد. ابوالفرج اصفهانی در اثر مهم خودش کتاب الاغانی، بزرگترین مجموعه موسیقایی و ادبی را تا قرن پنجم هجری تدوین کرده است. کتاب الموسیقی الکبیر فارابی شاید اولین متن موسیقی در جهان اسلام باشد. ابوعلی سینا در کتاب‌های شفا و قانون که عمدتاً به حوزه‌های فلسفی و پزشکی اختصاص دارند، بخشی را نیز به موسیقی اختصاص داده است. چرا که از سویی اعتقاد دارد مبنای موسیقی درک روابط علی و معلولی و محاسبات حاکم بر جهان است و از سوی دیگر تناسب نهفته در ذات موسیقی، می‌تواند خواص درمانی نیز داشته باشد. کتاب الکافی فی الموسیقی اثری ماندگار از ابن زیله اصفهانی، از دوره عباسیان است. عنوان شیخ الفاضل را استادش ابن سینا بر او داد و به دلیل ابتکار و نوآوری هایش در موسیقی مشهور است. رساله خامسه اخوان الصفا از اولین متون نظری موسیقی در دوره عباسی است. همچنین کتاب آداب السماع و الوجد امام محمد غزالی و ابواب ۲۲ و ۲۵ کتاب عوارف المعارف شیخ شهاب الدین سهروردی از دیگر آثار مهم این دوره به شمار می‌رود. از دیگر عواملی مهمی که موجب رشد و رواج موسیقی در دوره عباسیان شد، ظهور موسیقی دانان بزرگ ایرانی بود. که از تاثیرگذارترین موسیقیدانان این دوره می‌توان به: حکم الوادی، ابراهیم و اسحاق موصلی، زریاب کبیر، منصور رزل و محمد بن حارث بسخنر اشاره داشت. بر اساس منابع معتبر تاریخی، بسیاری از موسیقی دانان برجسته‌ی این عصر، تبار ایرانی داشتند و موسیقی عصر عباسی، مدیون نبوغ، تلاش و دانش آنهاست.

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۷۷)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمدپورون گنابادی، ج ۱، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۴)، وفيات الاعیان و ابناء الزمان، قم، ایران.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۶)، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۳۶۰)، الفخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، دانشنامه علایی، (۱۳۹۴)، ویراستاران: سیدمحمد مشکوه، تقی بینش، محمد معین، تهران، نشر مولی.
- ابن عبدربه، (۱۴۰۴هـ)، العقد الفرید، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- اصفهانى، ابوالفرج، علی بن حسین، (۱۴۱۵)، برگزیده الاغانی، ترجمه محمد حسین مشایخ فریدنی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- الک رابرتسون و دنیس استیونس، (۱۳۶۹)، تاریخ جامع موسیقی، ترجمه بهزاد باشی.
- امام شوشتری، سیدمحمدعلی، (۱۳۴۸)، ابران، گاهواره دانش و هنر، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- بدیعی، نادره، (۱۳۵۴)، موسیقی ایران در چین، انتشارات پارت
- بلخاری، حسن، (۱۳۸۳)، سرگذشت موسیقی در تمدن اسلامی، انتشارات سوره مهر
- حسن، ابراهیم حسن، (۱۳۸۸)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بدرغه جاویدان.
- خالقی، روح اله، (۱۳۷۷)، سرگذشت موسیقی ایران، تهران، موسسه فرهنگی هنری ماهور.
- خضری، محمد بک، (۱۳۷۴)، الدوله العباسیه، موسسه المختار للنشر و التوزیع.
- جاحظ، ابوعثمان عمر بن بحر، (۱۳۴۳)، تاج، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، انتشارات ابن سینا.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۷۹)، مجله تاریخ، شماره ۹۸
- خوارزمی، احمد بن یوسف، (۱۳۶۲)، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، علمی فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر.
- فارابی، ابونصر محمد، (۱۳۴۸)، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- فارمر، هنری جورج، (۱۳۹۷)، تاریخ موسیقی خاور زمین، ترجمه بهزاد باشی، تهران نشر معین.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۲)، مروج الذهب؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشحون، حسن، (۱۳۸۸)، تاریخ موسیقی ایران، تهران، چاپ فرهنگ نشر نو.
- معارف، سیدعباس، (۱۳۸۳)، شرح ادوار صفی الدین ارموی با مقدمه ای در تاریخ موسیقی ایران، انتشارات سوره مهر
- مکی، محمدکاظم، (۱۳۶۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، انتشارات سمت